



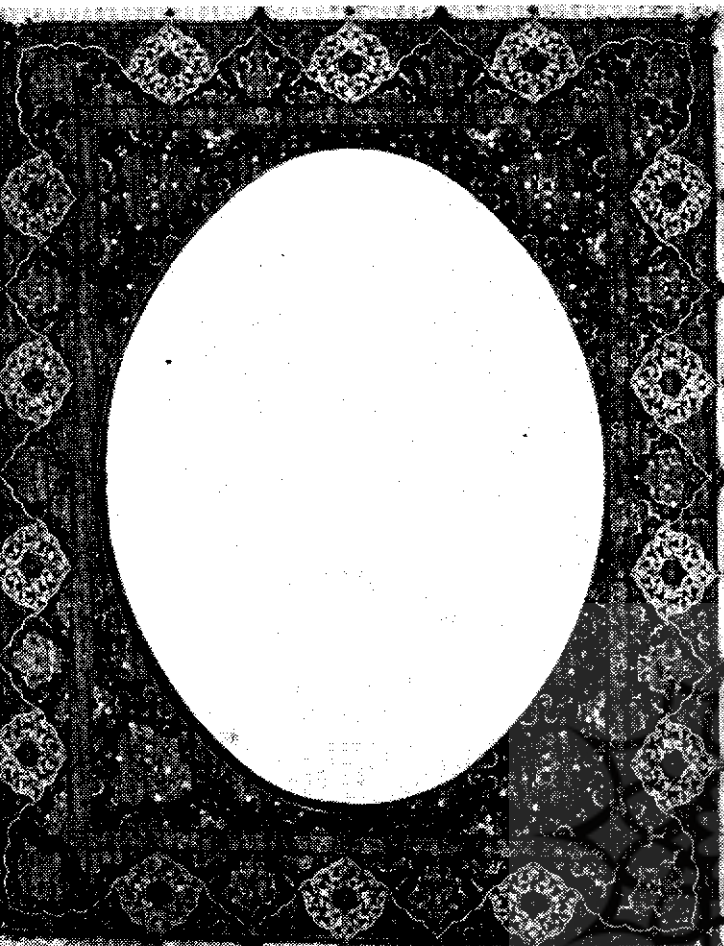
نصرت‌الدیوسی

فریدون تیمانی
موزه‌دار موزه هنرهای ملی

وانگیزه‌های درونی است که سبب می‌شود ما بشرح زندگی و خصوصیات هنری هنرمندان وطن خویش اهتمام ورزیم و راز پیشرفت و عاملی که باعث خلق اینگونه آثار است جستجو کنیم. از این رو ما در این شماره بشرح زندگی یکی از گرامی‌ترین استادان معاصر تذهیب یعنی آقای نصرت‌الله یوسفی میپردازیم. نصرت‌الله یوسفی در سال ۱۲۹۱ شمسی در تهران متولد گردید. پدرش از اهالی کاشان بود، گرچه شاعر نبود ولی به ادبیات کهن و اشعار سعدی و حافظ بخصوص به مثنوی مولانا سخت عشق میورزید و دوست داشت آن اشعار با آوازی خوش خوانده شود، زیرا معتقد بود که تأثیرش دوچندان جلوه می‌دهد. ولی برای دست‌یابی باین امر کسی را بهتر از فرزند خود سراغ نداشت.

نصرت‌الله زمانی که هنوز ۹ بهار از سنش نمی‌گذشت، آن اشعار منتخب را با آوازی گرم و دلنشین و لحنی خوش میخواند و پدرش گوش میداد و لذت میبرد. وقتیکه ۱۲ ساله بود چشمان کوچک و دقیقش با صفحات مصور کتب آشنا شده و رفته‌رفته به آنها خو گرفت تا جایی که از همه آنها کپی برمیداشت و با گلبرگهای زرد و سرخ گل لاله عباسی رنگ میکرد و از اینکار لذت میبرد، این همبستگی و هم‌آهنگی خطوط در کتب خطی نقش‌دار، از همان ایام در خاطرش نقش بسته و بنیان آن پی‌ریزی شده بود، او در ۱۳ سالگی بقرینه‌پردازی و نقش‌گل و بوته‌دست یافت، راهنمای او در این شیوه، سرلوحه‌های قرآن بود. نقش‌هایی که او انتخاب میکرد اغلب ساده و در عین حال متنوع بود، او در مواقع فراغت حتی در منزل هم بکارهای ذوقی میپرداخت، مثلاً با نقش گل و بوته روی لبه بخاری

هنر تذهیب در یک پدیده مینیاتوری، خود معرف بارزی از تجلی یک نظم و هم‌آهنگی روح انسانی است. اصولاً مطالعه و تعمق در آن هنر خود فلسفه‌ایست مستقل، که باید حقیقت آنرا در روح پرفتوح نیاکان ما جستجو کرد. اشاعه این هنر از مدتها پیش در ایران دیده شد و دائماً نضج گرفت تا حدی که در قرنهای نهم و دهم به منتهای کمال و حسن رسید. ایرانیان آنروز نه تنها به مینیاتور و خط اهمیت قایل میشدند بلکه از سرلوحه‌هایی که با منتهای ظرافت بابتکار هنرمندان آن عصر تذهیب میشد لذت میبردند. آنها برای تذهیب کتابها و رسالات و یا تزئین ساختمانها و مساجد از ابتکار و ذوق طراحان بزرگ و معروف آن زمان استفاده میکردند. آن‌گلهایی که بوسیله نقاش استیلیزه شده و شگفته‌اند و ما به آن گل‌شاه عباسی لقب داده‌ایم هرگز در روی زمین نشگفته‌اند بلکه فقط پدیده‌هایی است روانی، که سنن تاریخی دارد و الهام بخش هنرمندان است، و هنرمند برای بیان کیفیات درونی خود بآن شیوه توسل می‌جوید. آن‌گرددش خطوط و قرینه‌پردازی‌ها و نقش‌گل و بوته‌ها در شیوه‌ی معماری و بناهای تاریخی ایران قدیم، نشانه بارزی از حقیقت هستی و زندگی پرشکوه اجداد ماست. و ما از آن همه ظواهر و شواهد عالی که بانابودی قسمت اعظم آن در اعصار گذشته توأم بوده است باز هم لذت میبریم و با حفظ همان نقایص و خرابیها که از گوشه و کنار مملکت پرتوافکن است جسم و جان خود را مملو از غرور و شادی می‌سازیم و باین حقیقت بزرگ واقف میشویم که پدران هنرمند ما تا چه اندازه، از مشاهده و خلق هنرهای بدیع، جسم و روح خود را نیرو می‌بخشیده‌اند و چشم جهانیان را خیره ساخته‌اند. این افتخارات



یکی از آثار تذهیب کاری نصرت الله یوسفی

اطاقهای منزلش خود را سرگرم مینمود.

در دوران تحصیلات ابتدایی، فقط به کلاس نقاشی عشق میورزید و بدروس دیگر تقریباً بی اعتنا بود، مع الوصف بعد از گذراندن سالهای ابتدایی برخلاف تمایلات درونی خود در سال اول دوره‌ی متوسطه ثبت نام کرد، ولی سه ماهی نپایید که از ادامه آن انصراف حاصل نمود، او میل داشت که تمام ساعات زندگیش غرق در نقوش زیبا باشد، و تار و پود وجودش را با آن خطوط و نقشی که روی کاغذ میکشید، بیاراید. او در همان سنین آن شهامت را داشت در راهی قدم نهاد که روحش آنرا می‌طلبید، همین احساس او را بنقوش زیبای قالی نزدیک ساخت. پدرش نیز از استعداد و ذوق فرزندش آگاهی کاملی داشت و چون هیجان و شوق او را در این رشته از هنر زاید الوصف دید، او را یکی از دوستانش که سرپرستی یکی از کارگاههای قالی بافی را داشت معرفی کرد.

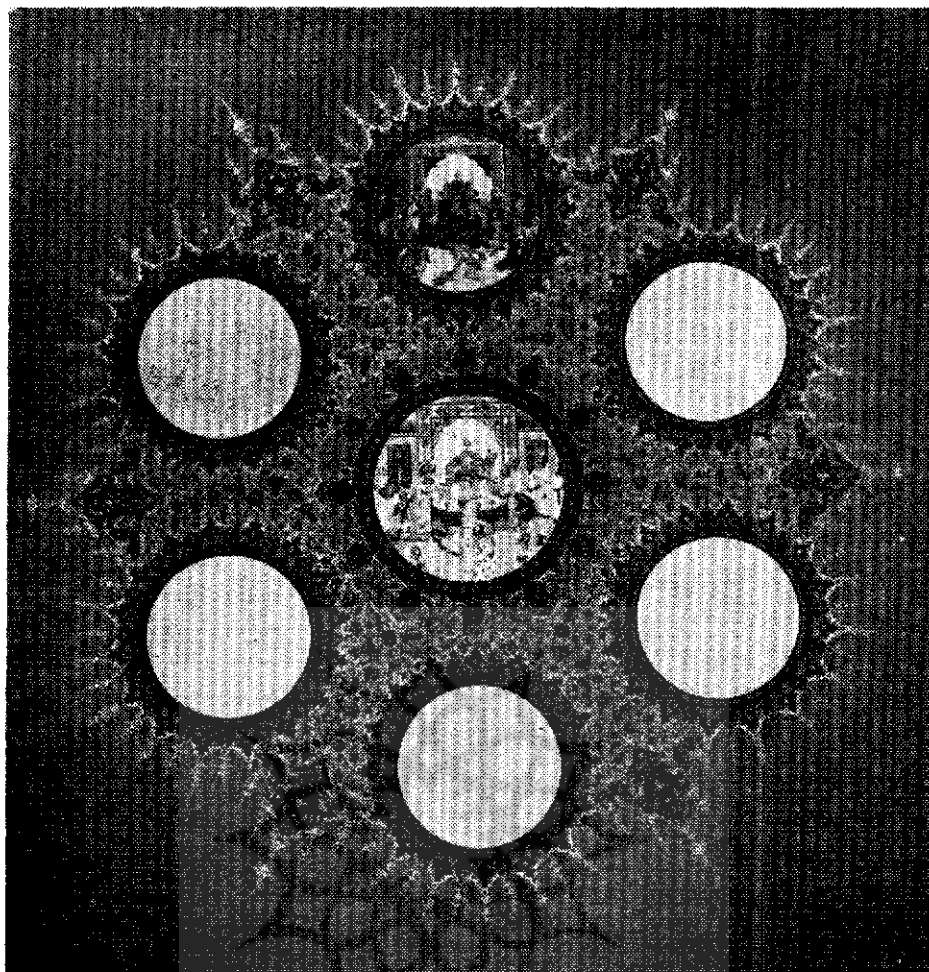
نصرت الله سعی میکرد بیشتر اوقات خود را در کارگاه مزبور بگذراند، زیرا تمایل شدیدی به نقشه کشی در خود احساس مینمود، او اینقدر در این راه اصرار ورزید تا سرانجام موفق گردید آن نهالی را که در باطنش پرورش میشد بارور سازد و چند نقشه زیبا و مرغوب برای قالی بوجود آورد. بیاس این لیاقت و کاردانی، یک فالیچه بسیار زیبا از طرف مدیر کارگاه بوی اهداء گردید، این اثر اهدائی که اولین پاداش و مزد هنرمند تلقی میشد، آنچنان در روح حساسش تأثیر نیکویی بخشید که میتوان آنرا بهترین خاطره هنرمند در آن زمان تلقی کرد. کارگاهی که او در آن مشغول بود با کار محدودش او را راضی نمی‌نمود، او دنبال ابتکارات تازه‌ای میگشت. سرانجام جویندگی، یابندگی است. رضا وفا کاشانی هنرمند معروف در مسیر کار او قرار گرفت. مدت یکسالی که با او کار کرد از تجارب هنری و چکیده‌های ذوق و هنر وی تا آنجا که میتوانست تمتع گرفت، و کارگاه او را بنحوشایسته‌ای اداره نمود، ولی باید گفت آن شعله فروزانی که دائم در درون او زبانه میکشید، در زیر خاکستر محیط مخفی مانده بود، زیرا او میخواست با اندوختن تعالیم هنری بیشتر، آن پدیده‌های زیبایی را که در عالم هستی و حقیقت زندگی نهفته است متجلی سازد.

هنرستان عالی هنرهای ایرانی که در آن زمان «صنایع مستظرفه» نام داشت، آخرین مرجع هنری بود که هنرمند را با تمام وجودش بسوی خود جلب کرد، او در اواخر سال ۱۳۰۷ زمانی که ۱۶ سال بیشتر نداشت برای تکمیل معلومات خود در رشته اختصاصی، تحت نظر علی درودی استاد تذهیب در هنرستان مزبور ثبت نام نمود و تا آنجائی که میسر بود از تجارب هنری استاد بهره بر گرفت.

نصرت الله یوسفی در سال ۱۳۱۹ در رشته تذهیب

فارغ التحصیل و رتبه اول شد، و سپس بدریافت درجه لیسانس هنرهای زیبا نایل آمد، رساله او عبارت از تذهیب دایره‌شکلی بود که هم‌اکنون در موزه هنرهای ملی در معرض تماشای عموم نهاده شده است. این تذهیب در کمال حسن و زیبایی با قلم سحرآمیز هنرمند جلوه گر شده است. یوسفی با وجود آوردن این اثر مهارت و استادی مسلم خود را به ثبوت رسانده است. آثاری از آقای یوسفی به نمایشگاههای: لنینگراد - لندن - پاریس - دهلی و کابل فرستاده شده. و همچنین در مسابقه‌های هنری که در سال ۱۳۲۸ بین کشورهای آسیائی ترتیب داده شده بود شرکت کرد و مقام اول را حایز گردید.

بدریافت مدال هنر از وزارت فرهنگ و مدال طلا از نمایشگاه بین‌المللی سال ۱۹۵۸ بروکسل و دیپلم Grand Prix و دیپلم عالی المپیک ۱۹۵۲ از اعلیحضرت همایونی مفتخر



تابلوی هفت‌گنبد بهرام - نقوش درون دایره‌ها از آقای زاویه است و تذهیب دور آن از آقای نصرت‌الله یوسفی است

و مایه استاد برسد. استاد در جواب می‌گوید که خودش برای احراز بدین مقام ۴۰ سال وقت صرف نموده است. گرچه جواب استاد او را تاحدی ناامید و روحش را دگرگون ساخته بود ولی او آن اراده و درایت را درخود سراغ داشت که ره چهل ساله‌ها در زمانی بسیار کوتاه با موفقیت کم‌نظیری طی کند و پیروز گردد. نصرت‌الله یوسفی تا حال شاگردان با استعدادی بجامعه هنر ایران معرفی کرده است که هر کدام آینده‌ای تابناک و روشنی در پیش دارند. نکته جالب اینجاست که یک نمونه بسیار ممتاز از باغیبات حکیم عمر خیام که حاوی تصاویر صورت‌دار کار استاد حسین بهزاد با سرلوحه‌ها و حواشی بسیار زیبارا که با قلم سحرآمیز نصرت‌الله یوسفی نمودار و تزیین گشته در دست اقدام است، تصاویر نظمی این مجموعه فلسفی که بطور کلی متجاوز از ۷۵ قطعه می‌باشد بزودی چاپ و در دسترس

گردیده است. در ضمن تقدیرنامه‌هایی نیز بوسیله شخصیت‌های معروف داخلی و خارجی دریافت کرده است که همگی در گنجینه خاطرات هنری محفوظ و مصون می‌باشد. وی در سال ۱۳۱۹ با سمت هنرآموز تذهیب در هنرستان عالی هنرهای ایرانی شروع به خدمت کرد و از سال ۱۳۲۲ خارج از محیط هنری با سمت معاون کارگزینی اداره باربری وزارت راه انجام وظیفه مینمود و از سال ۱۳۲۴ بمدت ۶ سال با سمت دبیر نقاشی در موزه ایران باستان مشغول بوده و از سال ۱۳۲۹ مجدداً در هنرستان پسران و دختران وابسته به هنرهای زیبای کشور بتدریس اشتغال ورزید. و فعلاً نیز استاد تذهیب در هنرستان کمال‌الملک می‌باشد.

آقای یوسفی در ایام تحصیل روزی از استادش علی درودی سؤال میکند که آیا او در چه مدت میتواند به پایه

عموم علاقمندان قرار خواهد گرفت. اینک میبپردازیم به تحلیل نمونه‌هایی چند از کارهای استاد یوسفی که در موزه هنرهای ملی در معرض تماشای مردم نهاده شده است:

باید دانست مهارت و ریزه کاریهایی که یک هنرمند تذهیب در اغلب طرح‌ها بکار میبرد به سحر و افسون بیشتر همانند است. آن گوشه‌هایی از طرح که با چشم غیر مسلح، بدشواری قابل رویت هستند چنانچه در زیر ذره بین قرار گیرد همان زیبایی و حسن رنگ بدون قلم خوردگی و یا لرزه دست با همان شفافیت رنگ و استقامت خط بوضوح دیده میشود. در تذهیب شکل یک که از لحاظ کاربرد آنرا یکی از شاهکارهای قلمی عصر حاضر دانست همین کیفیت مرعی شده است. رنگهایی که در صفحه تذهیب بکار رفته بسیار است ولی هر بیننده ابتدا رنگهای فیروزه‌ای - لاجوردی - طلایی - قرمز - آبی - به گلی - سبز - آجری و قهوه‌ای را تشخیص خواهد داد. بنای نقش آن برای یک مینیاتور بیضی ساخته شده است و سه قسمت متمایز دارد. قسمت اول که ما آنرا حاشیه خارجی میگوئیم دارای دو فرم ترنج یکی فیروزه‌ای است که در زمینه آبی قرار داده شده و از خطوط طلایی اسلیمی مزین گشته و دیگری ترنج طلایی است که در متن لاجوردی قرار گرفته و دارای خطوط آبی اسلیمی است. مجموع ترنج‌هایی که در این حاشیه و در اطراف دیده میشوند ۲۸ عدد میباشد که بوسیله یک رشته خط سفید موجدار، از هم مجزا شده‌اند. این ترنج‌ها در گوشه‌ها بابتکار هنرمند تغییر شکل داده شده است. بعد از حاشیه خارجی حاشیه مرکزی است. در این حاشیه باریک که زمینه طلایی دارد اینقدر زیبایی و کمال نهفته است که هر بیننده با ذوقی را ساعتی مجذوب خود می‌نماید، آن نقش‌های ماریچ با رنگهای به گلی و سبز چه نقش پرشکوهی را نمایانده است و آن گل‌های پیچ پر آبی و گلی چقدر زیبا و سحر انگیزند.

قسمت سوم گوشواره‌هاست که در چهار طرف محوطه بیضی قرار گرفته‌اند، زمینه گوشواره‌ها لاجوردی است و هر گوشه دارای یک ترنج طلایی است که با خطوط اسلیمی تزیین یافته و نقش ماریچ‌ها نیز بزبانتترین وجهی نقاشی شده است. این تذهیب در سال ۱۳۱۹ توسط هنرمند با تمام رسیده و اندازه اصلی آن ۴۹×۳۹ سانتیمتر میباشد. و دیگر تابلوی هفت گنبد بهرام است که چون گوهری درخشان، در موزه هنرهای ملی پرتوافکن شده است. تذهیب اطراف دوایر آن یکی از کارهای جالب هنرمند محسوب میشود. از پژوهشی که در اغلب آثار یوسفی بعمل آمده چنین مستفاد میشود که هنرمند پیش از سایر رنگها به رنگ فیروزه‌ای یا آبی عشق ورزیده و شاید باین کیفیت که او همیشه رنگ آسمان شفاف یا امواج تسکین بخش دریاها را بمدد طلیده است. در تابلو شکل ۲ نیز زمینه نقش بطور کلی فیروزه‌ای انتخاب شده، رنگهایی که در صفحه مزبور

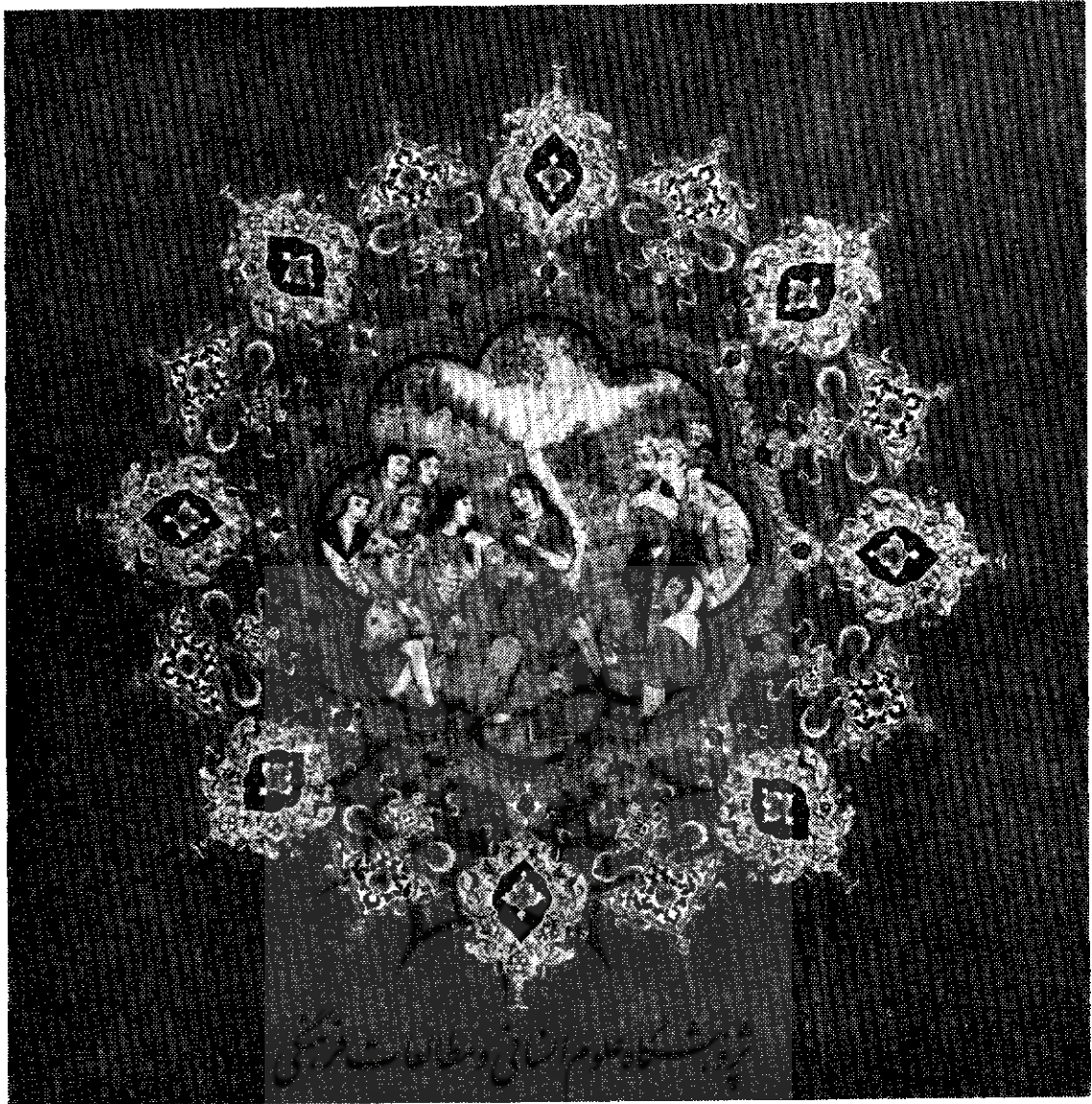
بکار رفته عبارتست از فیروزه‌ای - طلایی - لاجوردی - مشکی - قرمز - آجری - سبز - قهوه‌ای - سفید و بنفش که بوضوح قابل رویت هستند و سایر رنگها هم با تانس و فریبندگی خاصی جلوه گر شده‌اند. آن گل‌های شاه‌عباسی با آن رنگهای گوناگونش و آن شاخه‌ها و بزرگ‌های زیبا که با خمیدگی خاص خود طرح اسلیمی ختائی را بوجود آورده‌اند همه در زمینه شفاف فیروزه‌ای غوطه‌ور شده، گوئی ستاره‌گانی هستند که در فضای پهناور کهکشان بزبیبای خود چشمک میزنند.

تذهیب اطراف دوایر باهم، جورند ولی دایره مرکزی طرحی مستقل و مجزا دارد چنانچه در شکل دقیق شویم در تذهیب اطراف دایره مرکزی ابتدا یک حاشیه باریک، برنگ طلایی دیده میشود و بعد از آن یک حاشیه عریض‌تر دارای زمینه قهوه‌ای است که با گل‌های پنج پر و شاخه‌های طلایی مزین شده است. حاشیه بعد از آن که با خطوط سفید اسلیمی و با گل‌های پنج پر آبی رنگ، بزبانتترین وجهی نشان داده شده است دارای ۱۲ ترنج میباشد که همه زمینه‌ی مشکی دارند و ۱۲ نقش دیگر، بفرم کتیبه با زمینه طلایی در فواصل ترنج‌ها دیده میشوند که من حیث المجموع هر بیننده‌ای را به تحسین و تکریم و امیدارد، در تذهیب دور دوایر طرفین، هر کدام ۱۶ ترنج دیده میشود که دارای یک فرم هستند و نقوش زیبایی گل و برگ در زمینه لاجوردی و در فواصل ترنج‌ها گنجانده شده است.

در این تابلو آنطور که در بالا شرح داده شد طرح و تذهیب اطراف دوایر از هنرمند ارجمند نصرت‌الله یوسفی است که در سال ۱۳۲۰ نقاشی شده ولی نقش صورت‌دار درون دایره‌ها (دایره مرکزی - دایره بالایی) از هنرمند عالیقدر محمدعلی زاویه است که شرح زندگی ایشان در شماره‌های پیشین ماهنامه بطبع رسیده است. موضوع، نشان دادن مجالس بزم، در بارگاه بهرام گور ساسانی است که از لطیف‌ترین و دل‌انگیزترین گنجینه ادبیات فارسی، هفت پیکر نظامی گنجوی الهام گرفته شده است و در این تابلو فقط دو صحنه بزم در دو دایره نقاشی شده و بقیه دوایر ناتمام باقی مانده است.

در تذهیب شکل ۳ هنرمند طرح تازه‌ای را بجامعه هنر ایران ارائه داده است، در اینجا نقش‌های هندسی و طرح‌های گل و بوته که به ابتکار هنرمند بستگی تام دارد باهم تلفیق یافته‌اند. این نقش‌ها با اطلاعات دقیق فنی ترسیم شده و قدرت تخیل هنرمند را بزبانتترین صورتی پدیدار ساخته است. بنای طرح آن دایره‌ای شکل میباشد که در متن لاجوردی نقش شده و شامل رنگهای لاجوردی - طلایی - فیروزه‌ای - قهوه‌ای - قرمز آجری - سبز - به گلی - آبی و بسیاری رنگ‌های دیگر که از ترکیب هم بوجود آمده‌اند.

آنچه را که حاشیه خارجی نام نهاده‌ایم شامل ترنج‌ها و فرم‌هایی است بشکل سرلوحه یا کتیبه، که در فواصل ترنج‌ها



تذهیب اطراف این تابلو بوسیله نصرت‌الله یوسفی ساخته شده

خورده‌اند. حاشیه مرکزی هم دارای زمینه طلایی (طلای ناب) با طرح اسلیمی است. این تذهیب در مدت ۵ ماه در سال ۱۳۲۰ توسط هنرمند ساخته شده است.

۱- این نکته نیز قابل دقت است که در یک اثر مینیاتوری زمینه‌های طلایی را چنانچه در اصل تابلو بنگریم از نظر شیوه رنگ‌آمیزی بنا بابتکار هنرمند تغییر میکند- آن رنگ طلایی که با جلوه خاصی نشان داده شده است «طلای مهره‌کشیده» نام دارد و آن متن طلایی که شفافیت نداشته و کدر بنظر میرسد «طلای خام» میباشد. اصولاً هنرمندان برای شفافیت رنگ طلا، بین مهره‌ها از سنگ عقیق استفاده میکنند.

قرار داده شده است. در این تذهیب هر ترنجی، زمینه‌ی فیروزه‌ای دارد که محتوی گل و بوته میباشد و شاخه‌های طلایی آن بطرح اسلیمی اژدری مزین گردیده است. قسمت مرکزی هر ترنج دارای زمینه‌های قهوه‌ای است که طرح اسلیمی دارد، در حالیکه نقش‌های کتیبه‌ای هر کدام دارای زمینه طلایی (طلای مهره‌کشیده) است^۱ و متن قسمت مرکزی آن قرمز آجری میباشد که بطرح اسلیمی اژدری تزیین گشته است.

در زیر هر کتیبه طلایی دو نقش مارپیچ بفرم چپ‌وراست قرار داده شده که بوسیله طرحی بیضی شکل و پرنقش بهم‌گره